

Diachronic Changes of Conceptual Metaphors of Bravery in Persian: A Cognitive and Corpus Based Approach

Vol. 12, No. 4, Tome 64
pp. 1-32
October & November 2021

Eshrat Saghafi¹ , Azita Afrashi^{2*} , Seyed Mostafa Assi³ , &
Abdolhossein Farzad⁴ 

Abstract

This paper analyzes the stability or changes of the Persian Language Speakers' views towards Bravery, as one of the concepts of the target domain of Morality from Kövecses's (1993: 43) point of view. The main question of this study is whether the concept of Bravery has changed from 8th to 10th lunar century compared to the contemporary period. Moreover we aim to find a pattern to represent these changes. To achieve this goal, the authors studied the conceptual change or stability, through comparing the conceptual metaphors of Bravery. The results of this study show changes in some cultural components of this concept in Persian language speaker's society. It should be noted that the comparison of historical and contemporary evidences show that the general source domain of objects in both cases have been remained unchanging but the special source domains of objects have changed. The high frequency source domains of conceptualizing Bravery in Persian language are as follows: Power, Path, War, Material. The theoretical framework of the present research is the theory of conceptual metaphors proposed by Lakoff and Johnson (1980) and the Trim's pattern for the conceptual networking of metaphors (2007).

Keywords: Cognitive Semantics, Conceptual Metaphor, Metaphorical change, Historical semantics, Bravery

Received: 20 February 2019
Received in revised form: 23 May 2019
Accepted: 9 July 2019

1. PhD Candidate in General Linguistics, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran; ORCID ID: <http://orcid.org/0000000280505927>
2. Corresponding author, Associate Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran; Email: a.afrashi@ihcs.ac.ir
ORCID ID: <http://orcid.org/0000000199906256>
3. Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.
ORCID ID: <http://orcid.org/0000000337991103>
4. Associate Professor of Persian Language and Literature, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. ORCID ID: <http://orcid.org/000000027957962x>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

The speeches of a generation are never exactly the same as their fathers or even their children. Although the speech differences between successive generations may be insignificant and not much attention be paid to it, at intervals of several hundred years or more, the changes will be revealed. Arlotto suggests that variations can be considered as the equipments for historical linguistic discussions. Lakoff and Johnson believe that when a new metaphor is added to a language, it changes the conceptual system of the language as well as the way of understanding and the relative reactions of the people. Moreover they believe that language is constantly changing and adapting itself to the new conditions of the language community as people accept the new metaphorical concepts and lose the old ones. Their example to prove their claim is the changes in the cultures around the world due to the eminence of this metaphor: TIME IS MONEY.

Accordingly, we are going to verify common conceptual metaphors of Bravery in Persian Language to achieve the stability or changes of the Persian Language Speakers' views towards Bravery, as one of the concepts of the target domain of Morality from Kövecses's (1993: 43) point of view. The main question of this study is whether the concept of Bravery has changed from 8th to 10th lunar century compared to the contemporary period. Moreover we aim to find a pattern to represent these changes. To achieve this goal, the authors studied the conceptual change or stability, through comparing the conceptual metaphors of Bravery.

The main hypothesis of this research is as follows: The comparison of the metaphorical mappings of Bravery between the extracted metaphors from the historical and contemporary corpus of the Persian Linguistic Database shows that the source domain of conceptualizing Bravery has changed over time in Persian Language. In order to verify the hypothesis, the authors have used a descriptive deductive method applying the corpus based analysis method proposed by Anatol Stefanovich.

The results of this study show changes in some cultural components of this concept in Persian language speaker's society. It should be noted that the

comparison of historical and contemporary evidences show that the general source domain of objects in both cases have been remained unchanging but the special source domains of objects have changed. The high frequency source domains of conceptualizing Bravery in Persian language are as follows: Power, Path, War, Material. The theoretical framework of the present research is the theory of conceptual metaphors proposed by Lakoff and Johnson (1980) and the Trim's pattern for the conceptual networking of metaphors (2007).

Verifying the conceptual metaphors of Bravery as the active and inactive mappings in time intervals and its presentation through a diachronic network of metaphorical changes can be considered as the innovation of this research.







دوماهنامه بین‌المللی

د ۱۲، ش ۴ (پیاپی ۶۴) مهر و آبان ۱۴۰۰، صص ۱-۳۳

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23223081.1400.12.4.13.5

بررسی تحول استعاره‌های مفهومی شجاعت در زبان فارسی

در دو بازه زمانی تاریخی و معاصر

عشرت ثقفی^۱، آریتا افراشی^۲، سیدمصطفی عاصی^۳، عبدالحسین فرزاد^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

۲. دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

۳. استاد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

۴. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۰۱

چکیده

در مقاله حاضر برآنیم تا از طریق معنی‌شناسی تاریخی، به بررسی ثبات یا تغییر دیدگاه‌های فارسی‌زبانان نسبت به مفهوم «شجاعت» بپردازیم که از دیدگاه کووچش^۱ (۱۳۹۳، ص. ۴۳)، یکی از مفاهیم حوزه مقصد اخلاق است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا در بازه‌های زمانی قرن هشتم تا قرن دهم در مقایسه با دوران معاصر، در جامعه فارسی‌زبان مفهوم شجاعت دست‌خوش تغییر شده است یا خیر؟ و نیز برای بازنمایی این تغییرات چه الگویی می‌توان ارائه داد. برای دستیابی به این هدف، نویسندگان از طریق تحلیل شناختی استعاره‌های مفهومی شجاعت در دو پیکره تاریخی و معاصر و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، ثبات یا تحول ایجادشده را بررسی کردند. نتایج حاصل از پژوهش حاضر حاکی از تغییر در برخی از مؤلفه‌های فرهنگی مرتبط با مفهوم شجاعت در جامعه فارسی‌زبانان و در نتیجه، تحول ارزش‌گذاری بر استعاره‌های مفهومی مربوط است. گفتنی است مقایسه شواهد تاریخی و معاصر نشان می‌دهد حوزه مبدأ کلان «شیء» در هر دو مورد بی‌تغییر است، ولی حوزه‌های خرد زیرمجموعه «شیء» تغییر یافته‌اند. حوزه‌های مبدأ پربسامد مفهوم‌سازی شجاعت در زبان فارسی عبارت‌اند از: نیرو، مسیر، جنگ و ماده. از دستاوردهای مهم پژوهش حاضر آن است که در هیچ‌یک از بازه‌های زمانی مورد نظر، حوزه مبدأ جنگ، حوزه مبدأ کانونی شجاعت محسوب نمی‌شده، بلکه به‌صورت نهفته باقی مانده است. چارچوب نظری پژوهش حاضر نظریه استعاره‌های مفهومی مطرح‌شده از سوی لیکاف^۲ و جانسون^۳ (۱۹۸۰) و الگوی تریم^۴ (۲۰۰۷، ۲۰۱۱) در شبکه استعاره‌های مفهومی است.

واژه‌های کلیدی: معنی‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، تحول استعاره‌ها، معنی‌شناسی تاریخی، شجاعت.

E-mail: a.afrahi@ihcs.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

گفتار یک نسل هیچ‌گاه دقیقاً مانند پدران یا فرزندان آن‌ها نیست. هرچند که تفاوت‌ها میان نسل‌های متوالی ناچیز است و زیاد به آن توجه نمی‌شود، با این حال در یک فاصله زمانی چندصدساله یا بیشتر، یک زبان معین شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد و تفاوت‌های آن با شکلی که در مرحله تحولی قبلی داشته است، آشکار می‌شود. آراتو^۵ (۱۳۹۴، ص. ۵) این تنوع‌ها را مواد اولیه لازم برای مباحث زبان‌شناسی تاریخی می‌داند. زبان پیوسته در تغییر است و خود را با شرایط نوین جامعه زبانی تطبیق می‌دهد. لیکاف و جانسون (۱۳۹۵، ص. ۲۲۵، ۲۲۶) معتقدند زمانی که استعاره جدیدی وارد نظام مفهومی می‌شود، این استعاره نظام مفهومی ما و دریافت‌ها و کنش‌های مرتبط با آن را تغییر می‌دهد. آن‌ها بسیاری از تحولات فرهنگی را نتیجه آشنایی با مفاهیم استعاری جدید و از بین رفتن مفاهیم قدیمی می‌دانند. مثال آن‌ها برای اثبات ادعایشان، بروز تغییرات در فرهنگ‌های سراسر جهان به واسطه مطرح شدن استعاره [زمان پول است] است.

انسان‌ها در بسیاری از فعالیت‌های جزئی که هر روز انجام می‌دهند به صورت ناخودآگاه، براساس الگوی مشخصی می‌اندیشند و عمل می‌کنند. یکی از راه‌های شناخت این الگوها مطالعه استعاره‌های زبان است. از طریق بررسی استعاره‌های زبانی که بازنمود استعاره‌های ذهنی‌اند می‌توان به جهان‌بینی فرهنگ‌ها و ملل مختلف پی برد. بر این اساس، متخصصان زبان‌شناسی شناختی با تکیه بر آثار شفاهی و کتبی موجود در هر جامعه به بررسی استعاره‌های مفهومی رایج میان افراد آن جوامع می‌پردازند تا از این طریق، به طرز تفکر غالب در اذهان و نیز فرهنگ افراد پی ببرند.

بررسی انواع گوناگون تغییرات زبانی، الگوهای خاص خود را دارد، اما آراتو (۱۳۹۴، ص. ۵) ساده‌ترین نوع این بررسی‌ها را به روشی که آورده می‌شود توضیح می‌دهد: نخست دو مرحله در تاریخ تحول یک زبان معین را که احتمالاً هر یک از طریق تجزیه و تحلیل دستوری بررسی شده‌اند انتخاب می‌کنیم و سپس تغییراتی را که در گذر از یک مرحله به مرحله دیگر در آن زبان پدید آمده است به صورت صوری بیان می‌کنیم. به تبع این تعریف، ما نیز دو دوره زمانی قرن هشتم تا دهم قمری (بازه زمانی تاریخی) و دوره زمانی مشروطه

تا زمان حال (بازۀ زمانی معاصر) را انتخاب کردیم و به بررسی آن پرداختیم تا از طریق تحلیل شناختی استعاره‌های مفهومی شجاعت در پیکرۀ تاریخی و معاصر پایگاه داده‌های زبان فارسی و مقایسۀ آن‌ها با یکدیگر، توصیفی از ثبات یا تحول ایجادشده در دیدگاه و رفتارهای فرهنگی فارسی‌زبانان نسبت به حوزه‌های مبدأ شجاعت به دست آوریم. نویسندگان در این مطالعه از روش توصیفی - قیاسی استفاده کرده‌اند. بر این اساس، تعداد ۴۰۰ جملهٔ حاوی کلیدواژهٔ شجاعت و مترادف‌های آن از پیکرۀ تاریخی و تعداد ۴۰۰ جملهٔ حاوی کلیدواژهٔ شجاعت و مترادف‌های آن از پیکرۀ معاصر پایگاه داده‌های زبان فارسی، جمع‌آوری و نامنگاشت‌های آن‌ها استخراج شد تا از طریق تحلیل و بررسی بسامد حوزه‌های مبدأ موجود در نامنگاشت‌ها، تحول مفهوم‌سازی استعاری شجاعت براساس الگوی تریم (2007) نشان داده شود. پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. نامنگاشت‌های استعاری شجاعت در پیکرۀ معاصر پایگاه داده‌های زبان فارسی کدام‌اند؟
 ۲. نامنگاشت‌های استعاری شجاعت در پیکرۀ تاریخی پایگاه داده‌های زبان فارسی کدام‌اند؟
 ۳. مقایسۀ نامنگاشت‌های استعاری شجاعت استخراج‌شده از پیکرۀ پایگاه داده‌های زبان فارسی در دو بازۀ زمانی تاریخی و معاصر چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی را درخصوص تحول حوزه‌های مبدأ و مقصد نشان می‌دهد؟
- فرضیۀ اصلی این پژوهش به قراری است که آورده می‌شود:
- مقایسۀ نامنگاشت‌های استعاری شجاعت استخراج‌شده از پیکرۀ پایگاه داده‌های زبان فارسی در دو بازۀ زمانی تاریخی و معاصر نشان‌دهندۀ این است که حوزه‌های مبدأ مفهوم‌سازی شجاعت طی زمان در زبان فارسی دستخوش تغییر شده است.

۲. پیشینهٔ مطالعات

از آنجا که این پژوهش در میان آثار و پژوهش‌های زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی دارای پیشینهٔ مستقیمی نیست، در این بخش به معرفی چند اثر از متخصصان زبان‌شناسی شناختی

ایرانی و غیرایرانی در حوزه استعاره‌های مفهومی عواطف می‌پردازیم، زیرا موضوع پژوهش حاضر در گستره استعاره‌های اخلاق قرار می‌گیرد و اخلاق با عواطف به لحاظ شیوه‌های مفهوم‌سازی استعاری، پیوند نزدیک دارد. برخی از آثار غیرایرانی در زمینه بررسی استعاره‌های مفهومی به شرحی است که آورده می‌شود:

اولین بار مایکل ردی^۱ (1979) در مقاله «استعاره مجرا»^۷ مطرح کرد که سطح تحلیل استعاره‌ها ذهن است نه زبان. سپس لیکاف و جانسون (1980) با انتشار کتاب *استعاره*، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم^۸ شکل جدیدی به مطالعات استعاره بخشیدند. کوچش زبان‌شناس دیگری بود که پژوهش‌هایش در مورد چگونگی بیان مفاهیم استعاری عواطف، از مباحث پرتعداد زبان‌شناسی شناختی شد. او به مفاهیم «عشق رمانتیک، خشم و غرور»^۹ (1986) و «مفهوم‌سازی عشق رمانتیک»^{۱۰} (1988) پرداخت و از این طریق ساختار مفهومی استعاره‌های عواطف را به همراه ویژگی‌های فرهنگی و مشترک میان آن‌ها در چارچوب نظریه استعاره شناختی بررسی کرد.

سویتسر^{۱۱} (1990) نیز با بررسی جنبه‌های فرهنگی و استعاری ساختار معنا در کتاب *از ریشه‌شناسی تا کاربردشناسی: جنبه‌های فرهنگی و استعاری ساختار معنا*^{۱۲} نشان داد که مبنای تغییرات معنای واژه در طول زمان، استعاره مفهومی است، برای مثال، او شواهد گسترده‌ای را در اثبات وجود استعاره [دانستن دیدن است] در گستره وسیعی از زبان‌های هندواروپایی و تا حد امکان از دوره‌های تاریخی گذشته فراهم کرد. داده‌های او شامل موارد فراوانی از شاخه‌های زبانی و زمان‌های مختلفی است که در آن‌ها واژه‌های حوزه دیدن تحول پیدا کرده و معناهای دیگری در حوزه دانستن به دست آورده‌اند. چندی بعد لیکاف «نظریه معاصر استعاره»^{۱۳} (1993) را مطرح کرد.

بعد از آن کوچش در کتابی با عنوان *استعاره و زبان عواطف*^{۱۴} (2000) مطرح کرد که بشر برای توصیف احساسات خود ناگزیر به استفاده از استعاره‌های مفهومی است. به اعتقاد او بررسی استعاره‌های عاطفی دری به سوی شناخت فرهنگی زبان‌ها می‌گشاید. از جمله آثار مهم غربی در زمینه بررسی استعاره‌های مفهومی و چگونگی تحول مفاهیم در طول زمان، مقاله تیساری^{۱۵} (2001) با عنوان «استعاره‌هایی که با آن‌ها عشق می‌ورزیم»^{۱۶} درباره «استعاره‌های شناختی عشق از قرن پانزدهم تا اکنون» است. این مقاله به روش پیکره‌ای به

تحلیل این مسئله پرداخته که از قرن پانزدهم تاکنون در زبان انگلیسی، «عشق» در قالب چه استعاره‌هایی درک‌پذیر و بیان شده است.

کووچش در کتاب *زبان، ذهن و فرهنگ: مقدمه‌ای کاربردی*^{۱۷} (2006) یک مقدمه نظری - عملی برای مطالعه در این باره که ما چگونه به تجربیات خود معنی می‌بخشیم ارائه کرد و روابط متغیر و پیچیده میان زبان، ذهن و فرهنگ را بررسی کرد.

از نمونه‌های دیگر آثار غربی، پژوهش‌های در زمانی مطرح شده در کتاب *استعاره و مجاز: رویکردی در زمانی*^{۱۸} است که از سوی کاترین آلن^{۱۹} در سال ۲۰۰۸ نوشته شده است. آلن داده‌های تاریخی مهمی در مورد استعاره‌های مفهومی بیانگر «هوشمندی»^{۲۰} در مقابل «حماقت»^{۲۱} از زبان انگلیسی جمع‌آوری کرده است. از جمله یافته‌های جالب آلن آن است که درک معنای واژه‌های انتزاعی با استفاده از واژه‌های غیرانتزاعی یا مفاهیم فیزیکی، در یک فرایند زمان‌بر و یا به صورت فرایندهای موازی صورت می‌گیرد (همان، صص. ۳۷ - ۸۷، ۱۸۶ - ۱۸۷). همچنین، بلنک^{۲۲} و کوچ^{۲۳} (1999)، گرایس^{۲۴} (2006) و سیلوستر^{۲۵} (2006) به مطالعه تغییر و تحولات نگاهت‌های استعاری در طول زمان یا همان مطالعه در زمانی استعاره‌ها، پرداخته‌اند.

از مطالعات انجام‌شده به زبان فارسی نیز می‌توان به مواردی اشاره کرد که آورده می‌شود:

سمیرا دیلمقانی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی: مطالعه موردی سمک عیار* به بررسی تحول استعاره‌های زبان فارسی در این اثر پرداخته است.

افراشی و مقیمی‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله «استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی» به تحلیل استعاره‌های مفهومی شرم با استناد به اشعار کلاسیک فارسی از قرن ششم تا دهم قمری در چارچوب کتاب *استعاره و عواطف: تأثیر زبان، فرهنگ و بدن در احساس نوشته زولتان کووچش* (2010) پرداختند. هدف آن‌ها مشخص کردن حوزه‌های مبدأ برای استعاره‌های مفهومی شرم و به دنبال آن یافتن مفهوم کانونی شرم در زبان فارسی با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی بود.

حسینی معصوم و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «فرایند تحول طنین معنایی به معنای ضمنی در زبان فارسی؛ یک بررسی در زمانی» ضمن بررسی پژوهش‌های متعدد درباره طنین معنایی و معنای ضمنی و تبدیل این دو به یکدیگر در زبان‌های مختلف به‌ویژه انگلیسی، با استفاده از دو پیکره از دو مقطع تاریخی (قرن هفتم هجری و دوران معاصر) زبان فارسی، به مقایسه برخی ترکیب‌های فعلی زبان فارسی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که طنین معنایی برخی از عبارات‌های زبان فارسی از مثبت به منفی تغییر کرده و این طنین معنایی منفی در برخی از ترکیبات به‌ویژه «موجب شدن» در حال تبدیل به معنای ضمنی منفی است. افراشی (۱۳۹۷) در مقاله «الگوی انطباق‌های ریشه‌شناختی واژگان و استعاره‌های مفهومی در حوزه عواطف با رویکرد شناختی» به بررسی مشابهت نگاشت‌های استعاری مفاهیم عاطفی خشم، ترس و تحولات ریشه‌شناختی واژگان بیان‌کننده مفاهیم آن‌ها پرداخته است. بدین منظور، او داده‌های تحولات ریشه‌شناختی بیش از بیست‌وپنج زبان را در دو حوزه عاطفی خشم و ترس بررسی و مشخص کرده است که پیوندهای ریشه‌شناختی روشنی بین واژه‌های این دو حوزه عاطفی وجود دارد. افراشی معتقد است استعاره‌های مفهومی و فرایندهای ریشه‌شناختی میان برخی حوزه‌های عاطفی، تابع الگوهای انطباقی هستند.

۳. مبانی نظری تحول استعاره‌ها

کووچش (۱۳۹۸، ص. ۲۹؛ ۱۳۹۵، ص. ۲۹۴) در پاسخ به این پرسش مهم که چه چیزی سبب می‌شود استعاره‌ها تغییر کنند دو گروه دلیل ارائه می‌دهد: ۱. تجربه متفاوت^{۳۶} و ۲. اولویت‌ها و سبک‌های شناختی متفاوت^{۳۷}.

۳-۱. تجربه متفاوت

بخش اعظم تغییرات استعاره به این دلیل است که تجربه‌های ما انسان‌ها تغییر می‌کنند. از دیدگاه کووچش (۱۳۹۸، ص. ۲۹) تجربه متفاوت شامل تفاوت در بافت فرهنگی - اجتماعی، تاریخ فردی و اجتماعی و دغدغه‌ها یا منافع شخصی است.

مثال کووچش در مورد تفاوت در بافت فرهنگی - اجتماعی، مفهوم‌سازی خشم در اروپاست که به قراری است که آورده می‌شود [خشم، مایع داغ در یک ظرف تحت فشار است]، در حالی که در چینی مفهوم خشم براساس یافته‌های کینگ (1989) و یو (1995، 1998) مبتنی بر مفهوم خی (qì) است، یعنی [خشم انرژی‌ای جاری در بدن است]، وقتی خی در بدن افزایش می‌یابد، خشم (nu) تولید می‌شود و بدون مفهوم خی، درک خشم در فرهنگ چینی دشوار است.

مثال کووچش (۱۳۹۵، ص. ۲۸۰) در مورد تاریخ تجربیات شخصی، به چگونگی ایجاد مفهوم‌سازی استعاری برمی‌گردد. از دیدگاه کووچش نظام نمادین استعاره بنیادی که یک مؤلف به کار می‌برد تا حدی از تاریخ زندگی شخصی او تأثیر می‌پذیرد. برای مثال، نظام نمادین استعاری ارائه شده از سوی همینگوی^{۲۸} در قالب گاوبازی در اسپانیا، شکار در آفریقا و ماهی‌گیری در فلوریدا در رمان‌ها و داستان‌های کوتاهش باز نمود پیدا کرده است.

مثال کووچش (۱۳۹۸، ص. ۱۶۳؛ همان، ۱۳۹۵، ص. ۲۸۰) در مورد تاریخ تجربیات اجتماعی، برداشت‌های استعاری متفاوت مجارستانی‌ها و امریکایی‌ها در مورد مفهوم «زندگی» است که این موضوع به جزئیات تاریخ این دو کشور مربوط می‌شود. مجارستانی‌ها عمدتاً استعاره‌های [زندگی جنگ است] و [زندگی سازش است] را به کار می‌برند، در حالی که امریکایی‌ها بیشتر استعاره‌های [زندگی یک مایملک گران‌بها است] و [زندگی بازی است] را به کار می‌برند. مجارستانی‌ها، به منزله یک ملت و دولت، برای مدت بیشتر از هزار سال از تاریخ خود را در جنگ بوده‌اند و با قرار گرفتن بین دو ملت قدرتمند ژرمنی و اسلاوی، ناچار بوده‌اند برای بقای خود مبارزه کنند. با توجه به این سابقه تاریخی، جای تعجب نیست که برای بسیاری از مجارستانی‌ها مفهوم «زندگی» بیشتر مبارزه است تا بازی، اما با گذشت زمان، این روش مفهوم‌سازی در مورد «زندگی» یا هر مفهوم دیگری ممکن است تغییر کند.

همچنین، مثال کووچش (همان، ص. ۲۸۱) در مورد دغدغه‌های انسان، کاربرد استعاره [افسردگی اسیر کننده است] از سوی بیماران افسرده است، در حالی که افراد سالم درباره غم به مثابه عامل اسیرکننده حرف نمی‌زنند و دغدغه آن‌ها آزاد شدن از دست غم یا گریختن از چنگ غم و اندوه نیست. کووچش دلیل کاربرد این عبارات استعاری، از سوی افراد افسرده

را ناشی از نوع تجربه و بیان احساس آن‌ها می‌داند. بر این اساس، دغدغه عمیق آن‌ها این است که این نوع تجربه و احساس، آن‌ها را از افراد سالم جدا می‌کند و همین دغدغه، سبب کاربرد استعاره اسارت از سوی آن‌هاست.

۳-۲. اولویت‌ها و سبک‌های شناختی متفاوت

فرایندهای شناختی متفاوت و متعددی در مفهوم‌سازی استعاری به‌کار می‌روند. کووچش (۱۳۹۸، ص. ۸۹) این فرایندها را شامل مواردی که آورده می‌شود می‌داند: بسط و تفصیل^{۲۹}، تخصیص^{۳۰}، متعارف‌سازی^{۳۱}، شفافیت^{۳۲}، کانون تجربی^{۳۳}، ترجیح دیدگاه^{۳۴}، مقوله‌بندی پیش‌نمونه‌ای^{۳۵}، قاب^{۳۶}، استعاره و مجاز^{۳۷} و مانند این‌ها. اگرچه این فرایندها به‌صورت جهانی در دسترس همگان هستند، اما از سوی گروه‌ها یا افراد مختلف، به‌صورت یکسان به‌کار گرفته نمی‌شوند و از آنجا که فرایندهای شناختی می‌توانند تغییر کنند، کاربرد استعاره نیز می‌تواند متغیر شود. کووچش (۱۳۹۵، ص. ۲۸۲) برای تبیین مسئله اولویت‌های متفاوت، «کانون تجربی» متفاوت را مطرح می‌کند. بدین معنی که افراد مختلف ممکن است جنبه‌های متفاوتی از عملکرد بدن خود را در ارتباط با یک حوزه هدف معین، کانون توجه قرار بدهند یا می‌توانند برخی از جنبه‌های دیگر این عملکرد را در ارتباط با مفهوم‌سازی استعاری یک حوزه هدف نادیده بگیرند یا کم‌اهمیت جلوه بدهند. برای مثال، براساس پژوهش‌های کینگ (۱۹۸۹) و یو (۱۹۹۵، ۱۹۹۸) مفهوم‌سازی «خشم» بر حسب گرما در زبان چینی نسبت به زبان انگلیسی کم‌تر رایج است. در زبان چینی، استعاره‌های عمده خشم ظاهراً بر حسب فشار هستند نه گرما. این دست‌آورد نشان می‌دهد که سخن‌گویان زبان چینی، در مقایسه با سخن‌گویان زبان انگلیسی، در مفهوم‌سازی استعاری خشم بر جنبه دیگری از فیزیولوژی خود تکیه می‌کنند و به بیان ساده‌تر به مفهوم فشار نسبت به مفهوم گرما اولویت بیشتری در مفهوم‌سازی استعاری خشم می‌دهند.

۳-۳. الگوی تحول استعاره

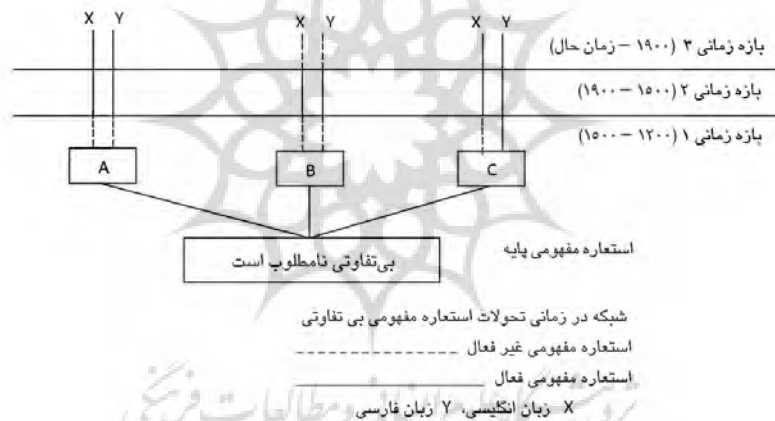
ریچارد تریم از زبان‌شناسان مطرح در عرصه زبان‌شناسی شناختی و بررسی تحولات در زمانی است. او در کتاب‌های شبکه‌های استعاره‌های مفهومی: سیر تکاملی مقایسه‌ای زبان

مجازی^{۳۸} (2007) و استعاره و سیر تکامل تاریخی نگاشت‌های مفهومی^{۳۹} (2011) در جست‌وجوی الگوهای استعاری‌ای بوده که در چند زبان تکرار شده‌اند و به‌طور خلاصه به معرفی هریک از این الگوها پرداخته است. به اعتقاد او تاریخچه و روند تکاملی استعاره‌های مفهومی، الگویی ثابت نظیر یک شجره‌نامه دارد و ما با استفاده از اطلاعات فرهنگ لغت و دایرة‌المعارف، قادر خواهیم بود تاریخچه تحولات استعاره‌های یک زبان را ردیابی کنیم و الگوی این تغییرات را ارائه کنیم. تریم (ibid, p. 74) معتقد است استعاره‌های مفهومی ممکن است در گذر زمان به حالت‌های فعال یا غیرفعال تغییر کنند و در مسیر تغییر، بر سیر تکاملی دیگر استعاره‌های زبانی نیز تأثیر بگذارند. همچنین، ممکن است استعاره‌های مفهومی مختلف از یک منبع سرچشمه بگیرند، اما با سیر تکاملی متفاوتی ظاهر شوند و به تبع آن، عبارات‌های زبانی استفاده‌شده برای بیان استعاره‌ها نیز به‌صورت مداوم تغییر و تحول پیدا کنند. تریم (2007, p. 110) مطلبی با عنوان «بازیابی استعاره»^{۴۰} به‌نقل از کیتی^{۴۱} آورده است که مطرح می‌کند.

از دیدگاه کیتی استعاره‌هایی که در گذشته کاربرد داشتند این قابلیت را دارند که هم‌اکنون نیز با همان الفاظ اصلی به‌کار روند و به‌طور کلی قابل بازیابی هستند. بدین ترتیب، ممکن است در برخی برهه‌های زمانی سخن‌گویان یک زبان به‌طور طبیعی با در اختیار داشتن سرخ‌های فرهنگی، بتوانند استعاره‌های غیرفعال را مفهوم‌سازی و فعال کنند (1987, p. 20). مثال تریم (ibid) در این مورد مفهوم نشانه‌شناختی رنگ سبز است که قبل از دهه ۱۹۷۰ به «زیست‌بوم»^{۴۲} اشاره داشته است. این استعاره در دهه ۱۹۷۰ همراه با تشکیل «حزب سبز»^{۴۳} که یک حزب سیاسی در کشور آلمان بود در زبان آلمانی به‌وجود آمد و به‌سرعت به دیگر زبان‌های اروپایی قرض داده شد، ولی امکان نگاشت رنگ سبز با مفهوم «زیست‌بوم» همواره وجود داشته، زیرا یک رابطه طبیعی بین «زیست‌بوم» و سرسبزی طبیعت همیشه موجود بوده است و امروزه نیز هست. استعاره‌ها این واقعیت را آشکار می‌کنند که ممکن است زبان‌هایی که بسیار به‌هم نزدیک هستند دچار تغییرات همگرایی^{۴۴} یا واگرایی^{۴۵} شوند و دلیل تحول معنایی آن‌ها را به ما توضیح می‌دهند. همچنین، از این طریق می‌توانیم در مورد برخی استعاره‌های معاصر که به شبکه‌هایی از گذشته مربوطند و همان تصاویر زمان گذشته را به ذهن متبادر می‌کنند اطلاعاتی کسب کنیم.

چشم‌انداز تحول در زمانی، ما را قادر می‌سازد در زمینه ریشه مفهوم‌سازی، توضیحاتی ارائه دهیم. علاوه بر موارد ذکر شده، توجه به بُعد تاریخی به این دلیل اهمیت دارد که می‌تواند یافته‌ها و فرضیه‌هایی را درباره ریشه الگوهای ماندگار قدیمی آشکار کند.

تریم (2011, p. 74) با استفاده از «فرضیه شبکه استعاره‌های مفهومی»^{۴۶} در ارتباط با تغییرات زبان مجازی در گذر زمان، پژوهش‌هایی در مورد استعاره‌های مربوط به سه حالت سردی^{۴۷}، بی‌تفاوتی^{۴۸} و عشق^{۴۹} در چند زبان اروپایی انجام داده است و بر همین اساس «فرضیه شبکه‌ای غیرفعال»^{۵۰} را مطرح کرد که در مورد خلاقیت‌های استعاری بسیاری تبیین‌گر است. مثال تریم (2007, p. 113) در مورد بررسی سیر تکاملی مفهوم استعاری «بی‌تفاوتی» در دو زبان انگلیسی و فرانسوی، در سه بازه زمانی متفاوت و در قالب الگویی است که آورده می‌شود.



نمودار ۱: نمودار پیشنهادی تریم (ibid)

Figure 1: Trim's proposed figure

تریم «بی‌تفاوتی» را در قالب استعاره مفهومی کانونی [بی‌تفاوتی نامطلوب است]^{۵۱} با سه نمود نگاشته متفاوت و قدری تفاوت بین‌زبانی به صورت‌های فعال و غیرفعال، با سه نام‌نگاشت متفاوت A، B و C نشان داده است.

A. نام‌نگاشت FLAT IS UNINTERESTING [بی‌تفاوتی نامطلوب است] در بازه زمانی ۱ که شامل سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی است، در هر دو زبان انگلیسی و فرانسه به صورت غیرفعال بوده، اما در بازه زمانی ۲ که شامل سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۹۰۰ میلادی است در هر دو زبان به صورت فعال عمل کرده و از بازه زمانی ۱۹۰۰ تا زمان حال (بازه زمانی ۳) به صورت فعال باقی مانده است و امروزه هر دو زبان، این استعاره را به منزله معنای واژه Flat در واژه‌نامه نشان می‌دهند.

B. نام‌نگاشت FLAT IS DULL/ STUPID [بی‌تفاوتی کسالت‌باری/ نادانی است] در بازه زمانی ۱ که شامل سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی است، در هر دو زبان انگلیسی و فرانسه به صورت غیرفعال بوده، اما در بازه زمانی ۲ که شامل سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۹۰۰ میلادی است در هر دو زبان به صورت فعال عمل کرده و از بازه زمانی ۱۹۰۰ به بعد (دوره معاصر) به صورت غیرفعال باقی مانده است.

C. نام‌نگاشت FLAT IS WITHOUT FLAVOUR [بی‌تفاوتی بی‌مزگی است] در بازه زمانی ۱ که شامل سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی است، در زبان انگلیسی غیرفعال و در زبان فرانسه به صورت فعال بوده، اما در بازه زمانی ۲ که شامل سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۹۰۰ میلادی است در هر دو زبان به صورت فعال عمل کرده و تا زمان حال به صورت فعال باقی مانده است.

مفهوم بی‌تفاوتی نمودار ۱ با مفاهیم نامطلوب بودن، نادانی، کسالت‌باری و بی‌مزگی همراه است. کانون مفهومی این استعاره تغییرات در زمانی مشابهی را در زبان انگلیسی و فرانسه در موارد A و B نشان می‌دهد، اما مورد C حاکی از رکود در کاربرد این استعاره در بازه زمانی ۱ در زبان انگلیسی و کاربرد فعال این استعاره در هر سه بازه زمانی در زبان فرانسوی است. همچنین، تریم (ibid) معتقد است اگرچه این استعاره در مسیر زمان ممکن است کاربرد فعالی داشته باشد، اما با هم‌آیی‌های^{۵۲} آن کمابیش دچار تغییر شده‌اند. مثال تریم در مورد زبان انگلیسی، جمله‌ای است که آورده می‌شود:

They are poor and flat in all other subjects. (OED, 1656)

«آن‌ها در زمینه‌های دیگر نیز ضعیف و نادان هستند». امروزه عبارت «flat people» «آدم نادان» کاربرد ندارد، اما عبارت «flat jokes» «جوک بی‌مزه» هنوز هم استفاده می‌شود مانند: «The jokes fell flat» «جوکاش بی‌مزه بود».

۴. معرفی روش پژوهش

برای تبیین تحول تاریخی و یا حتی توضیح عدم تحول مفهوم شجاعت ناگزیر بودیم نام‌نگاشت‌های مفهومی شجاعت را در دو بازه زمانی مختلف استخراج کنیم و سپس مفهوم آن را با ارجاع به حوزه‌های مبدأ به‌دست‌آمده از متون مکتوب به‌جا مانده از آن بازه‌ها ارائه کنیم. بدین منظور، از دو پیکره موجود در پایگاه داده‌های زبان فارسی، یعنی پیکره تاریخی و پیکره معاصر استفاده شد. پایگاه داده‌های زبان فارسی، مجموعه‌ای از پیکره‌های حجیم و متنوع زبان فارسی است که از سوی مصطفی عاصی از سال ۱۳۷۲ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پایه‌گذاری و در سال ۱۳۸۴ به شبکه جهانی اینترنت متصل شده است. این پایگاه حدوداً مشتمل بر شصت میلیون واژه است و کتاب‌های ادبیات معاصر، مقالات، مجلات، روزنامه‌ها، متون حقوقی، اخبار و گزارشات و آوانگاشت مکالمات تلفنی را فرامی‌گیرد (افراشی، ۱۳۹۷، ص. ۸۲).

در پژوهش حاضر از روش پیکره‌بنیاد آنا تول استقانوویچ^۲ (2006) با عنوان «تحلیل الگوی استعاری» استفاده شده است. در این روش ابتدا ۲۵ کلیدواژه از حوزه مقصد شجاعت براساس فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی تألیف فرج‌الله خداپرستی (۱۳۷۶) انتخاب و سپس ۴۰۰ جمله حاوی واحدهای واژگانی مذکور از پیکره تاریخی و ۴۰۰ جمله نیز از پیکره معاصر پایگاه داده‌های زبان فارسی (PLDB) با استفاده از رایانه، استخراج شد. کلیدواژه‌های منتخب عبارت بودند از: «شطارت، شجاعت، شهامت، شجاع، بادل، تهور، جسارت، زهره، جگرآور، جگردار، پردلان، جلادت، پردلی، پهلوانی، پردلستان، پردل، پهلوان، رشادت، شجاعانه، جسورانه، بی‌باکی، دلاوری، بزَن بهادر، بهادر، نترس». در نهایت، نام‌نگاشت‌های استعاری، استخراج و تحلیل شدند.

۵. تحلیل داده‌ها

از تعداد ۴۰۰ جمله به‌دست آمده از متون تاریخی و ۴۰۰ جمله به‌دست آمده از متون معاصر، تعداد ۲۵ نام‌نگاشت استعاری با حوزه مقصد شجاعت استخراج شده است که از آن تعداد ۱۶ عدد در متون تاریخی و ۱۸ عدد در متون معاصر دارای بسامد کم‌تر از ۱۰ هستند. جدول ۱ بسامد نام‌نگاشت‌های استعاری را نشان می‌دهد.

جدول ۱: بسامد نامنگاشت‌های استعاری شجاعت

Table 1: Frequency of metaphorical mappings of Bravery

ردیف	نامنگاشت استعاری	بسامد در متون تاریخی	بسامد در متون معاصر	مجموع بسامد
۱	شجاعت شئی است	۱۵۸	۱۵۰	۳۰۸
۲	شجاعت نیرو است	۴۲	۶۸	۱۱۰
۳	شجاعت مسیر است	۵۸	۲۷	۹۵
۴	شجاعت جنگ است	۳۸	۲۳	۶۱
۵	شجاعت ماده است	۲۹	۳۹	۶۸
۶	شجاعت ابزار است	۱۳	۳۴	۴۷
۷	شجاعت کنش است	۱۱	۲۰	۳۱
۸	شجاعت مکان است	۱۵	۳	۱۸
۹	شجاعت نور است	۱۰	۰	۱۰
۱۰	شجاعت موجود زنده است	۴	۲	۶
۱۱	شجاعت مایع درون ظرف است	۴	۱	۵
۱۲	شجاعت ظرف است	۱	۲	۳
۱۳	شجاعت رفتاری حیوانی است	۴	۱	۵
۱۴	شجاعت نیرویی ماوراء طبیعی است	۰	۴	۴
۱۵	شجاعت بند است	۲	۰	۲
۱۶	شجاعت انسان است	۲	۰	۲
۱۷	شجاعت آهنگ است	۰	۱	۱
۱۸	شجاعت گیاه است	۰	۱	۱
۱۹	شجاعت لباس است	۰	۱	۱
۲۰	شجاعت هنر است	۰	۱	۱
۲۱	شجاعت خبر است	۱	۰	۱

ردیف	نام‌نگاشت استعاری	بسامد در متون تاریخی	بسامد در متون معاصر	مجموع بسامد
۲۲	شجاعت دریاست	۱	۰	۱
۲۳	شجاعت زینت است	۱	۰	۱
۲۴	شجاعت ساختمان است	۱	۰	۱
۲۵	شجاعت شادی است	۱	۰	۱
۲۶	فاقد استعاره مفهومی	۴	۱۲	۱۶
	مجموع	۴۰۰	۴۰۰	۸۰۰

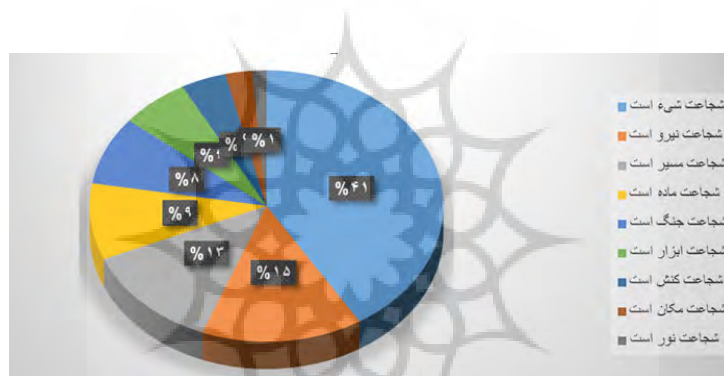
برای تحلیل و تفسیر دقیق‌تر جدول ۱، بهتر است استعاره‌هایی که دارای مجموع بسامد پایینی هستند از داده‌ها حذف شوند و براساس باقی داده‌ها، تحلیل صورت پذیرد. معیار داده‌های مورد تحلیل از این قرار است که مجموع بسامد تاریخی و معاصر استعاره مفهومی بیشتر یا مساوی ۱۰ باشد. بر این اساس، تعداد ۱۶ نام‌نگاشت که دارای بسامد کمتر از ۱۰ بودند و جملات فاقد استعاره مفهومی، از جدول حذف شده است و ۹ نام‌نگاشت باقی ماند. بدین ترتیب، از میان مجموع نام‌نگاشت‌ها در بخش‌های تاریخی و معاصر، پربسامدترین آن‌ها به قراری است که آورده می‌شود:

جدول ۲: نام‌نگاشت‌های استعاری شجاعت با مجموع بسامد بیشتر یا مساوی ۱۰

Table 2: Metaphorical mappings of Bravery with a total frequency greater than or equal to 10

ردیف	نام‌نگاشت استعاری	مجموع بسامد	درصد از کل
۱	شجاعت شیء است	۳۰۸	٪۴۱
۲	شجاعت نیرو است	۱۱۰	٪۱۵
۳	شجاعت مسیر است	۹۵	٪۱۲
۴	شجاعت ماده است	۶۸	٪۱۰
۵	شجاعت جنگ است	۶۱	٪۸

ردیف	نام‌نگاشت استعاری	مجموع بسامد	درصد از کل
۶	شجاعت ابزار است	۴۷	٪۶
۷	شجاعت کنش است	۳۱	٪۴
۸	شجاعت مکان است	۱۸	٪۳
۹	شجاعت نور است	۱۰	٪۱
	مجموع	۷۴۸	٪۱۰۰



نمودار ۲: نمودار دایره‌ای نام‌نگاشت‌های استعاری با مجموع بسامد بیشتر یا مساوی ۱۰

Figure 2: Circular chart of metaphorical mappings with a total frequency greater than or equal to 10

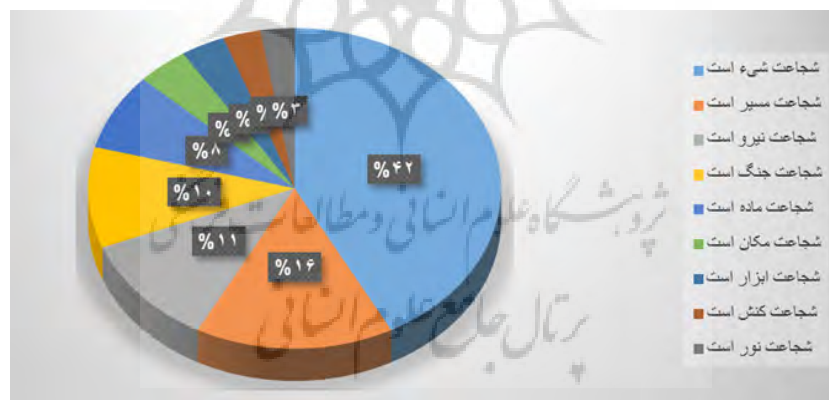
جدول ۳: نام‌نگاشت‌های استعاری شجاعت در پیکره متون تاریخی با مجموع بسامد بیشتر یا مساوی ۱۰

Table 3: Metaphorical mappings of Bravery in the corpora of historical texts with a total frequency greater than or equal to 10

ردیف	نام‌نگاشت استعاری	بسامد در متون تاریخی	درصد از کل
۱	شجاعت شئی است	۱۵۸	٪۴۲
۲	شجاعت مسیر است	۵۸	٪۱۶
۳	شجاعت نیرو است	۴۲	٪۱۱

ردیف	نام‌نگاشت استعاری	بسامد در متون تاریخی	درصد از کل
۴	شجاعت جنگ است	۳۸	۱۰٪
۵	شجاعت ماده است	۲۹	۸٪
۶	شجاعت مکان است	۱۵	۴٪
۷	شجاعت ابزار است	۱۳	۳٪
۸	شجاعت کنش است	۱۱	۳٪
۹	شجاعت نور است	۱۰	۳٪
	مجموع	۳۷۴	۱۰۰٪

جدول ۳ پاسخ این پرسش از پژوهش حاضر را فراهم می‌کند که نام‌نگاشت‌های استعاری شجاعت در پیکره تاریخی پایگاه داده‌های زبان فارسی کدام‌اند؟ براساس جدول ۳، نام‌نگاشت استعاری [شجاعت شیء است] با فراوانی ۴۲ درصد از کل، دارای بیشترین بسامد و نام‌نگاشت [شجاعت نور است] با کمترین بسامد، تقریباً ۳ درصد از کل داده‌ها را فرا می‌گیرد.



نمودار ۳: نمودار دایره‌ای نام‌نگاشت‌های استعاری متون تاریخی با مجموع بسامد بیشتر یا مساوی ۱۰

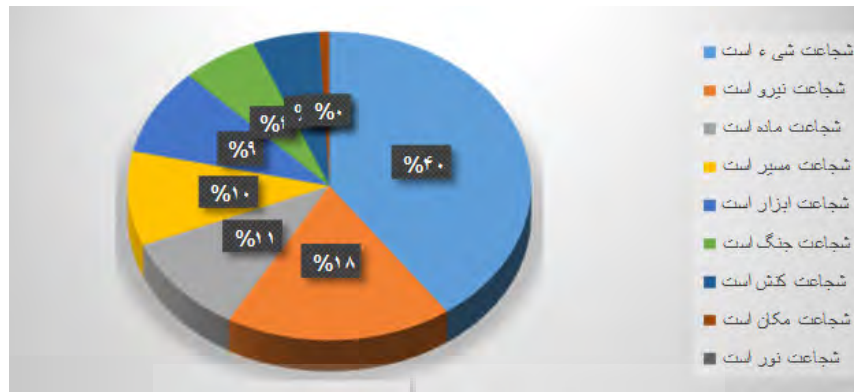
Figure 3: Circular chart of metaphorical mappings of historical texts with a total frequency greater than or equal to 10

جدول ۴: نام‌نگاشت‌های استعاری شجاعت در پیکره معاصر با مجموع بسامد بیشتر یا مساوی ۱۰

Table 4: Metaphorical mappings of Bravery in the contemporary corpora with a total frequency greater than or equal to 10

ردیف	نام‌نگاشت استعاری	بسامد در متون معاصر	درصد از کل
۱	شجاعت شیء است	۱۵۰	٪۴۰
۲	شجاعت نیرو است	۶۸	٪۱۸
۳	شجاعت ماده است	۳۹	٪۱۱
۴	شجاعت مسیر است	۳۷	٪۱۰
۵	شجاعت ابزار است	۳۴	٪۹
۶	شجاعت جنگ است	۲۳	٪۶
۷	شجاعت کنش است	۲۰	٪۵
۸	شجاعت مکان است	۳	٪۱
۹	شجاعت نور است	۰	٪۰
	مجموع	۳۷۴	٪۱۰۰

جدول ۴ پاسخ به این پرسش از پژوهش حاضر را فراهم می‌کند که نام‌نگاشت‌های استعاری شجاعت در پیکره معاصر پایگاه داده‌های زبان فارسی کدام‌اند؟ همان‌گونه که در جدول ۴ دیده می‌شود نام‌نگاشت استعاری [شجاعت شیء است] با فراوانی ۴۰ درصد از کل، دارای بیشترین بسامد، نام‌نگاشت استعاری [شجاعت مکان است] با ۱ درصد از کل، دارای کمترین بسامد و نام‌نگاشت استعاری [شجاعت نور است] هیچ کاربردی نداشته است.



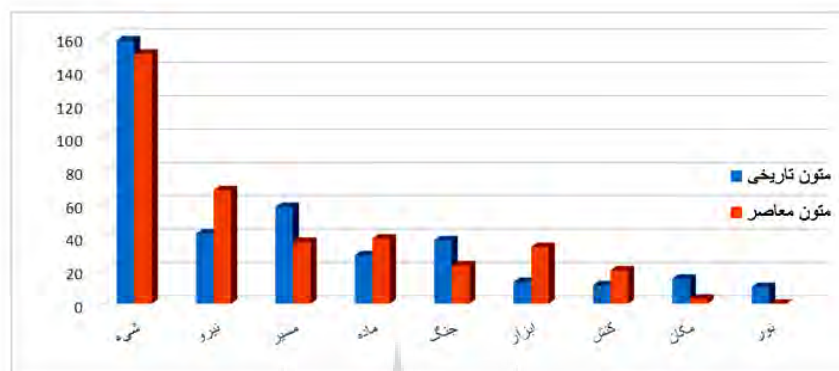
نمودار ۴: نمودار دایره‌ای نام‌نگاشت‌های استعاری متون معاصر با مجموع بسامد بیشتر یا مساوی ۱۰

Figure 4: Circular chart of metaphorical mappings of contemporary texts with a total frequency greater than or equal to 10

جدول ۵: نام‌نگاشت‌های استعاری متون تاریخی و معاصر با مجموع بسامد بیشتر یا مساوی ۱۰

Table 5: Metaphorical mappings in historical and contemporary texts with a total frequency greater than or equal to 10

ردیف	نام‌نگاشت استعاری	بسامد در متون تاریخی	بسامد در متون معاصر	مجموع بسامد	درصد از کل
۱	شجاعت شیء است	۱۵۸	۱۵۰	۳۰۸	۴۱%
۲	شجاعت مسیر است	۵۸	۳۷	۹۵	۱۳%
۳	شجاعت نیرو است	۴۲	۶۸	۱۱۰	۱۵%
۴	شجاعت جنگ است	۲۸	۲۲	۵۰	۸%
۵	شجاعت ماده است	۲۹	۳۹	۶۸	۹%
۶	شجاعت مکان است	۱۵	۳	۱۸	۳%
۷	شجاعت ابزار است	۱۲	۳۴	۴۶	۶%
۸	شجاعت کنش است	۱۱	۲۰	۳۱	۴%
۹	شجاعت نور است	۱۰	۰	۱۰	۱%
	مجموع	۳۷۴	۳۷۴	۷۴۸	۱۰۰%



نمودار ۵: نمودار ستونی مقایسه نام‌نگاشت‌های استعاری متون تاریخی و معاصر با مجموع بسامد بیشتر یا مساوی ۱۰

Figure 5: Clustered Bar of the comparison between metaphorical mappings in the historical and contemporary texts with a total frequency greater than or equal to 10

نمودار ۵ پاسخ به این پرسش از پژوهش حاضر را فراهم می‌کند که مقایسه نام‌نگاشت‌های استعاری شجاعت، استخراج‌شده از پیکره پایگاه داده‌های زبان فارسی در دو بازه زمانی تاریخی و معاصر چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را درخصوص تحول حوزه‌های مبدأ و مقصد نشان می‌دهد؟

با توجه به نمودار ۵، می‌توان دریافت که بیشترین بسامد در هر دو بازه زمانی، متعلق به حوزه مبدأ شیه است که با استناد به کووچش (2005, 2002) حاکی از شباهت در بافت فرهنگی، بافت فیزیکی و یا بافت ارتباطی است. بنابراین، می‌توان حوزه مبدأ شیه را «کانون تجربی» استعاره مفهومی شجاعت در هر دو بازه زمانی دانست و کلان استعاره [شجاعت شیه است] را یک مفهوم کلیدی برای مفهوم‌سازی شجاعت در نظر گرفت که چندین حوزه عام تجربی را در فرهنگ جامعه فارسی‌زبان دربر می‌گیرد. درمورد تفاوت‌های میان حوزه‌های مبدأ، یافته‌های پژوهش حاضر به شرحی است که آورده می‌شود: کم‌ترین بسامد در بازه زمانی تاریخی، به حوزه مبدأ نور و در بازه زمانی معاصر، به حوزه مبدأ مکان اختصاص دارد. در مقایسه میان حوزه‌های مبدأ از بازه زمانی تاریخی به معاصر، حوزه‌های

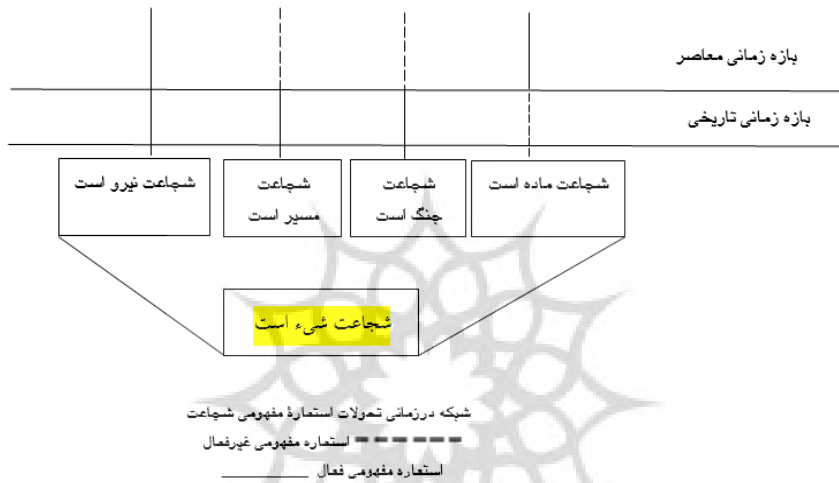
مبدأ نیرو، ماده، ابزار و کنش با ارتقای بسامد و حوزه‌های مبدأ مسیر، جنگ و مکان با نزول بسامد مواجه بوده‌اند. با استناد به کوچش (2015, p. 52) می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که فارسی‌زبانان بر حسب تجربیات متفاوتشان از بافت‌های فرهنگی - اجتماعی، تاریخ فردی، تاریخ اجتماعی، موقعیت ارتباطی، دغدغه‌ها، منافع و اولویت‌های شناختی متفاوت در هر یک از خرده‌فرهنگ‌ها، حوزه‌های مبدأ متفاوت به‌کار می‌برند.

۶. نتیجه

فرضیه اصلی پژوهش حاضر بدین قرار است: «مطالعه تغییرات حوزه‌های مبدأ از پیکره تاریخی به پیکره معاصر تغییراتی را به لحاظ فرهنگی و ارزشی نشان می‌دهد». ابتدا لازم است تعریفی روشن از تغییر معنایی در زبان ارائه شود: اولمن^۴ (1959، به نقل از آرلاتو، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۴) معتقد است «هرگاه نامی جدید به یک مفهوم و یا مفهومی تازه به یک نام مرتبط شود، یک تغییر معنایی رخ می‌دهد». آرلاتو (۱۳۹۴، ص. ۲۲) انواع تنوع معنایی را به چهار نوع محدود می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. گسترش معنایی، ۲. کاهش معنایی، ۳. کاربرد مجازی و ۴. تغییر مدلول. تحولات استعاری در گروه سوم از دسته‌بندی مذکور جای دارند. به نظر می‌رسد که با توجه به تعاریف ذکر شده از اولمن و آرلاتو، در این پژوهش باید در پی کشف تغییرات معنایی ناشی از کاربرد مجازی آگاهانه‌ای باشیم که براساس کوچش (۱۳۹۸، ص. ۲۹؛ همان، ۱۳۹۵، ص. ۲۹۴) تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی از دو منبع تجربه متفاوت و اولویت‌ها و سبک‌های شناختی متفاوت سرچشمه می‌گیرند.

به‌منظور تحلیل دقیق‌تر یافته‌های ذکر شده بر آن شدیم تا با توجه به بسامد نام‌نگاشت‌ها برحسب درصد از کل، آن‌ها را در دو گروه بسامد بیشتر و کمتر از ۱۰ درصد طبقه‌بندی کنیم تا نام‌نگاشت‌های کانونی پربسامد را از این طریق شناسایی کنیم. با توجه به جدول ۳ نام‌نگاشت‌های شجاعت در پیکره تاریخی که بسامد بیشتر از ۱۰ درصد دارند عبارت‌اند از: [شجاعت شیء است] ۴۲ درصد، [شجاعت مسیر است] ۱۶ درصد، [شجاعت نیرو است] ۱۱ درصد و [شجاعت جنگ است] ۱۰ درصد. همچنین، با توجه به جدول ۴، نام‌نگاشت‌های شجاعت در پیکره معاصر که بسامد بیشتر از ۱۰ درصد دارند عبارت‌اند از: [شجاعت شیء است] ۴۰ درصد، [شجاعت نیرو است] ۱۸ درصد و [شجاعت ماده است] ۱۱ درصد و

[شجاعت مسیر است] ۱۰ درصد. مطالعه تغییرات حوزه‌های مبدأ از پیکره تاریخی به پیکره معاصر را با استفاده از نام‌نگاشت‌های ذکرشده و با پیروی از الگوی تریم (2007, p. 113) انجام می‌دهیم.



نمودار ۶: نمودار شبکه در زمانی تحولات استعاره شجاعت

Figure 6: The diachronic network of metaphorical changes of Bravery

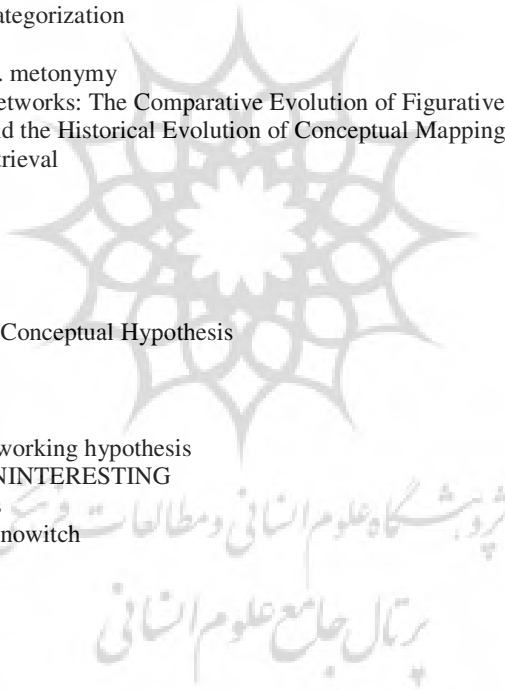
استعاره مفهومی پایه [شجاعت شیء است] به دلیل اینکه بیشترین بسامد را در میان نام‌نگاشت‌های تاریخی و معاصر به خود اختصاص داده است به‌منزله پیش‌فرض استعاره پایه در نظر گرفته می‌شود. حال چگونگی تحولات استعاره شجاعت را از جهت فعال یا غیرفعال بودن در دو بازه زمانی تاریخی و معاصر بررسی می‌کنیم. بدین منظور، هر یک از نام‌نگاشت‌های کانونی شجاعت در دو محور افقی که بیانگر دو بازه زمانی تاریخی و معاصر و محورهای عمودی که بیانگر فعال یا غیرفعال بودن کاربرد استعاره‌ها هستند بررسی می‌شوند: مطالعه آماری استعاره‌های مفهومی شجاعت در پیکره تاریخی و پیکره معاصر این نتیجه را به دست داد که پربسامدترین حوزه مبدأ در هر دو بازه زمانی، «شیء» است. این امر در

صورت‌های واژگانی فعلی کاربرد شجاعت نیز قابل دست‌یابی است. برای مثال، به نمونه‌هایی همچون «شجاعت به دست آوردن»، «شجاعت کسب کردن» و «شجاعت را از دست دادن» می‌توان اشاره کرد. بنابراین، کانون مفهومی استعاره‌های شجاعت مبتنی بر این است که فارسی‌زبانان به‌طور پیش‌نمونه شجاعت را شیء می‌پندارند. سایر مفاهیم مرتبط در این مقوله‌بندی پیش‌نمونه‌ای به لحاظ آماری عبارت‌اند از نگاشت‌های: «شجاعت به‌مثابه نیرو» و «شجاعت به‌مثابه ماده» که اگرچه در هر دو بازه زمانی، فعال بوده، ولی در بازه زمانی معاصر نسبت به بازه زمانی تاریخی بسامد بیشتری داشته است. از طرفی دیگر، نگاشت‌های «شجاعت به‌مثابه مسیر» و «شجاعت به‌مثابه جنگ» در بازه زمانی معاصر نسبت به بازه زمانی تاریخی، بسامد کم‌تری داشته است.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Kövecses
2. Lakoff
3. Johnson
4. Trim
5. Arlotto
6. M.Reddy
7. The Conduit Metaphor
8. Metaphors We Live By
9. Metaphors of Anger, Pride and Love: A Lexical Approach to the Study of Concepts
10. The Language of Love: The Semantics of Passion in Conversational English
11. Sweetser, E
12. From Etymology to Pragmatics
13. Contemporary Theory of Metaphor
14. Metaphor and Emotion: Language, Culture and Body in Human Feeling
15. H, Tissari
16. Metaphors we love by: on the cognitive metaphors of love from the 15th century to the present
17. Language, Mind and Culture: A Practical Introduction
18. Metaphor and metonymy: A diachronic approach
19. Allen
20. cleverness
21. stupidity
22. Blank

23. Koch
24. Gries
25. Sylvester
26. differential Experience
27. differential cognitive styles and preferences
28. Ernest Miller Hemingway
29. elaboration
30. specificity
31. conventionalization
32. transparency
33. (experiential) focus
34. viewpoint preference
35. prototype categorization
36. framing
37. metaphor vs. metonymy
38. Metaphor Networks: The Comparative Evolution of Figurative Language.
39. Metaphor and the Historical Evolution of Conceptual Mapping
40. metaphor retrieval
41. Kittay
42. ecological
43. Green Party
44. converge
45. diverge
46. Networking Conceptual Hypothesis
47. DRYNESS
48. FLATNESS
49. LOVE
50. dormant networking hypothesis
51. FLAT IS UNINTERESTING
52. collocations
53. Anatol Stefanowitch
54. S. Ullmann



۸. منابع

- افراشی، آ.، و مقیمی‌زاده، م. م. (۱۳۹۳). استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی. *زبان‌شناخت*، ۲، ۱-۲۰.
- افراشی، آ. (۱۳۹۷). *استعاره و شناخت*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افراشی، آ. (۱۳۹۶). الگوی انطباق‌های ریشه‌شناختی واژگان و استعاره‌های مفهومی در حوزه عواطف با رویکرد شناختی، *زبان و زبان‌شناسی*، ۲۶، ۶۹-۸۸.
- آراتو، آ. (۱۹۸۰). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*. ترجمه ی. مدرسی (۱۳۹۴). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دیلمقانی، س. (۱۳۹۱). *تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی؛ مطالعه موردی سمک عیار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- حسینی معصوم، س. م.، مریم سادات غیاثیان، بلقیس روشن، اشرف سادات شهیدی (۱۳۹۵). فرایند تحول طنین معنایی به معنای ضمنی در زبان فارسی: یک بررسی در زمانی، جستارهای زبانی، ۱ (۲۹)، ۱۷-۳۸.
- خداپرستی، ف. (۱۳۷۶). *فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی*. شیراز: دانشنامه فارس.
- کووچش، ز. (2002). *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*. ترجمه ش. پورابراهیم (۱۳۹۳). تهران: سمت.
- کووچش، ز. (۱۳۹۵). *زبان، ذهن و فرهنگ: مقدمه‌ای مفید و کاربردی*. ترجمه ج. میرزابیگی (۱۳۹۵). تهران: آگاه.
- کووچش، ز. (۲۰۱۵). *استعاره‌ها از کجا می‌آیند؟ شناخت بافت در استعاره*. ترجمه ج. میرزابیگی (۱۳۹۸). تهران: آگاه.
- لیکاف، ج.، و جانسون، م. (۱۳۹۵). *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*. ترجمه ه. آقا ابراهیمی (۱۳۹۵). تهران: علم.

References

- Afrashi, A. & Moghimizadeh, M.M. (2015). *Conceptual metaphors in the field of shame based on evidence from classical Persian Poetry*. Tehran: *Zabanshenakht*. 5 (2), 1- 20. [In Persian]
- Afrashi, A. (2017). *Correlation between conceptual metaphors and etymological patterns of emotion concepts with a cognitive semantics approach*. Tehran: *Language and Linguistics*, 13(26), 69-88. [In Persian]
- Afrashi, A. (2018). *Metaphor and cognition*. Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Allen, K. (2008). *Metaphor and metonymy: A diachronic approach*. UK: Willey and Blackwell. [In Persian]
- Arlotto, A. (1980). *Introduction to historical linguistic.*, Translated by Modaresi, Y., (1394). Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Blank, A., & Koch, P. (Eds). (1999). *Historical semantics and cognition [Cognition Linguistics Research 13]*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Dilamghani, S. (2012). *Historical study of conceptual metaphor in Persian Language: Samak Ayar text*. M.A Thesis, Islamic Azad University Science and Research Branch. [In Persian]
- Gries, S. Th. (2006) (Eds.). *Corpus – based approaches to metaphor and metonymy* (1- 16). Berlin/New York: Mouton: Mouton de Gruyter .
- Hosseini Masoom, S. M., Ghiasian, M. S., Roshan, B., & Shahidi, A. S. (2016). The transition process of semantic prosody to connotation in Persian: A synchronic analysis. *Journal of Linguistic Research*. 29 (1), 17- 38. [In Persian]
- Khodaparasti , F. (1997). *Comprehensive dictionary of synonyms and antonyms in Persian Language*. Shiraz: Fars Encyclopedia. [In Persian]
- King, B. (1989). *The conceptual structure of emotion experience in Chinese*. Doctoral dissertation, Ohio State University.

- Kittay, E.F. (1987). *Metaphor: its cognitive force and linguistic structure*, Oxford:Clarendon.
- Kövecses, Z. (1986). *Metaphors of anger, pride and love. A lexical approach to the study of concepts*. Pragmatics and Beyond VII: 8. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.
- Kövecses, Z. (1988). *The language of love: The semantics of passion in conversational English*. Lewisburg: Bucknell University Press.
- Kövecses, Z. (2000). *Metaphor and emotion: Language, culture, and body in human feeling*. Cambridge: University Press.
- Kövecses, Z. (2002) *Practical introduction to metaphor*. Translated by Dr. Shirinpour Ebrahim. Tehran:SAMT. [In Persian]
- Kövecses, Z. (2005). *Metaphor in culture: Universality and variation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2006). *Language, mind and culture: A practical introduction* Translated by Mirzabeygi. J(2016).Tehran:Agah. [In Persian]
- Kövecses, Z. (2006). *Language, mind and culture: A practical introduction*. New York: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor and emotion: Language culture and body in human feeling*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical introduction*. 2nd edition. Oxford: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2015) *Where metaphors come from*. Oxford: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2015). *Where Metaphors Come From*. Translated by Mirzabeygi. J(2016).Tehran:Agah [In Persian]
- Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors We live By*. Translated by Aghaebrahimi, H., (2016). Tehran: Elm. [In Persian]
- Lakoff, G. (1993). *The contemporary theory of metaphor*. In Andrew Ortony,

- ed.. Metaphor and Thought, 202- 251. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.
 - Reddy, M. (1979). *The conduit metaphor: A case of frame conflict in our language about language*. In Andrew Ortony, ed., *Metaphor and Thought* (284-324). Cambridge: Cambridge University Press.
 - Jackendoff, R. (1992). *Semantic structure*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Stefanowitsch, A. (2006). Words and their metaphors: A corpus-based approach, *Trends in Linguistics: Studies and Monographs*, 171, 63.
 - Stefanowitsch, A., & Stefan. Th. Gries (eds.), (2007) *Corpus-based approaches to metaphor and metonymy*. Berlin: Mouton de Gruyter: 12Stern, Gustaf. 1931. Meaning and Change of Meaning, Bloomington: Indiana University Press.
 - Sweetser, E. (1990). *From etymology to pragmatics: Metaphorical and cultural Aspects of semantic structure*. Cambridge University
 - Sylvester, L. (2006). *Forces of change: Are social and moral attitudes legible in this Historical Thesaurus of English classification?* In G, Caie. C, Hough and I, Wotherspoon. (Eds). *The power of words: Essays in Lexicography, Lexicology and Semantics in honour of Christian J. Kay*. Amsterdam: Rodopi, 185- 208.
 - Tissari, H. (2001). *Metaphors we love by: On the cognitive metaphors of love from the 15th Century to the present*. *Studia Anglica Posnaniensia*, 36, 217-242.
 - Trim, R. (2007). *Metaphor networks: The comparative evolution of figurative language*. UK: PALGRAVE MACMILLAN.
 - Trim, R. (2011). *Metaphor and the historical evolution of conceptual mapping*. New York: Palgrave Macmilan.
 - Ullmann, S. (1959). *The principle of semantics*. 2nd edition. Glasgow: Jackson, 1959.

- Yu, N. (1995). *Metaphorical expression of anger and happiness in England in English and Chinese*. *Metaphor and Symbolic Activity*, 10, 59- 92.
- Yu, N. (1998). *The contemporary theory of metaphor in Chinese: Perspective from Chinese*. Amsterdam: John Benjamins.

